

## مقدمه ناشر

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«اطلبوا العلم و لو بالصین»

«علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد.»

می‌دونستید کتاب‌های کلی از دانشمندا مثل ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی

و زکریای رازی به زبان عربی نوشته شده؟

مثلاً کتاب خفن ابوعلی سینا، یعنی «قانون» که تا سال‌های زیادی اساس

تعلیم طب در همه دانشگاه‌های پزشکی اروپا بوده و حتی اروپایی‌ها هم

مجبور بودن عربی یاد بگیرن تا ازش استفاده کنن و توی دانشگاه‌ها

تدریسش کنن ...

اصلاً می‌دونستید که یادگرفتن عربی چه قدر به شما در فهم متون و اشعار

فارسی کمک می‌کنه؟ به همین خاطر عربی رو باید یاد بگیریم حتی اگر

در چین باشه!

ممنونیم از استاد مرادیان گرامی و تیم محتوای خیلی‌سبز که برای

موفقیت سریع تو امتحانات، این کتاب خوب را در اختیار ما گذاشتند.

## مقدمه مؤلف

لذت یادگیری زبان عربی را با یک کتاب کم‌حجم و با محتوای عالی تجربه کنید.

این کتاب از بخش‌های مروری بر قواعد گذشته (مربوط به سال‌های قبل)، لغت‌های پرتکرار، واژه‌های جدید متن درس و تمرین‌ها، مترادف و متضاد و جمع‌های مکسر، ترجمه عبارات مهم، قواعد و نمونه سؤال امتحانی تشکیل شده است. در بخش واژه‌نامه، واژه‌های سطر به سطر کتاب درسی همراه با توضیحی مختصر برای کلمات مهم آورده شده است. از آن‌جا که مهم‌ترین واژه‌های زبان عربی، فعل‌ها هستند، موشکافانه آن‌ها را بررسی کرده و از شکل ماضی، مضارع و مصدر آن‌ها سخن گفته‌ایم.

مترادف‌ها، متضادها و جمع‌های مکسر، بخش جدایی‌ناپذیر واژگان‌اند که در قسمتی جداگانه به آن‌ها پرداخته‌ایم.

عباراتی که برای ترجمه انتخاب شده‌اند، شما را با کاربرد واژه‌ها آشنا کرده و بر جملات مهم هر درس تأکید دارند.

بخش قواعد در نوع خود بی‌نظیر است و هر آن‌چه برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های قواعد آزمون‌های تشریحی و نهایی به آن‌ها نیاز دارید، در این قسمت جمع شده است. برای این‌که خود را محک زده باشید و کاربرد مطالب گفته‌شده در کتاب را عملاً ببینید، نمونه سؤالاتی متناسب با

قواعد گفته‌شده و در پایان هر مبحث آورده شده است. علاوه بر نمونه سؤال‌های امتحانی در پایان هر درس، نمونه سؤال دی‌ماه و خردادماه را جهت آمادگی شما عزیزان آورده‌ایم.

ناگفته نماند بخشی را در پایان به مبحث درک مطلب اختصاص داده‌ایم که با ذکر نکات مهم، راهنمایی جهت پاسخگویی به این دست سؤالات در امتحان نهایی خواهد بود.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات همه همکارانم در واحد تألیف، ویراستاری و تولید انتشارات خیلی سبز تشکر کنم.

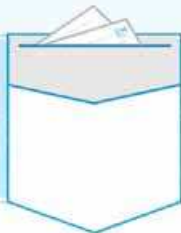
به امید موفقیت روزافزون شما دانش‌آموزان عزیز.

پاینده باشید.  
شاهو مرادیان

# فهرست مطالب

۷	مروری بر قواعد گذشته
۱۷	لغت‌های پرتکرار
۳۱	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ الَّذِينَ وَ التَّدْيُنُ ...
۴۹	الدَّرْسُ الثَّانِي مَكَّةُ الْمَكْرَمَةُ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ ...
۶۷	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ ...
۸۱	الدَّرْسُ الرَّابِعُ الْفَرَزْدَقُ ...
۹۹	درک مطلب
۱۰۳	آزمون‌ها
۱۲۲	پاسخ‌نامه تشریحی


# مروری بر قواعد گذشته



## انواع کلمه

سه نوع کلمه در عربی داریم: اسم - فعل - حرف.

اسم از نظر جنس: مذکر - مؤنث


نشانه اسم مؤنث: تاء گرد (ة)  شجرة - حديقة

اسم از نظر تعداد: مفرد - مثنی - جمع


## انواع جمع

سالم و مکسر (تکسیر)

علامت اسم مفرد: اسم مفرد نشانه ندارد و به یک اسم مفرد اشاره می کند.

 الكتاب، الرجل

علامت اسم مثنی: ان - ین

 طالبان - طالبین (دو دانش آموز)

نافذتان - نافذتین (دو پنجره)

**جمع سالم** جمعی است که اگر علامت جمع آن را برداریم شکل مفرد


کلمه باقی بماند.

• **انواع جمع سالم** • جمع مذکر سالم - جمع مؤنث سالم

علامت جمع مذکر سالم: ون - ین  مُدْرَسُونَ - مُدْرَسِيْنَ (معلمها)

علامت جمع مؤنث سالم: ات  تلميذات (دانش آموزان)

**جمع مکسر (تکسیر)** نشانه ای ندارد.

 مَسَاجِد - كُتُب - عُلُوم

مصدر: إِشْتَرَاءُ)	إذا: هرگاه، اگر
إِشْتَقَلَ: کار کرد (مضارع: يَشْتَقِلُ / مصدر: إِشْتِقَال)	الآراء: نظرات (مفرد: الرَّأْي)
الأَسَد: سخت تر (اسم تفضیل)	أراد: خواست (مضارع: يُرِيدُ)
أَصْبَحَ: شد (مضارع: يُصْبِحُ)	الأَرْبَعاء: چهارشنبه
إِصْطَدَمَ: برخورد کرد (مضارع: يَصْطَدِمُ / مصدر: إِصْطِدَام)	أُرْسِلَ: فرستاد (مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إِرْسَال)
الأَصْغَر: کوچک تر، کوچک ترین (اسم تفضیل)	إِسْتَحْدَمَ: استفاده کرد، به کار گرفت (مضارع: يَسْتَحْدِمُ / مصدر: إِسْتِحْدَام)
أَطْعَمَ: غذا داد (مضارع: يُطْعِمُ / مصدر: إِطْعَام)	إِسْتَخْرَجَ: استخراج کرد (مضارع: يَسْتَخْرِجُ / مصدر: إِسْتِخْرَاج)
الإِطْلَاق: رهاکردن (ماضی: أَطْلَقُ / مضارع: يَطْلُقُ)	إِسْتَرْجَع: پس گرفت (مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: إِسْتِرْجَاع)
أَعَانَ: کمک کرد (مضارع: يُعِينُ / مصدر: إِعَانَة)	إِسْتَطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ / مصدر: إِسْتِطَاعَة)
إِعْتَمَدَ: تکیه کرد (مضارع: يَعْتمِدُ / مصدر: إِعْتِمَاد)	إِسْتَعِينُوا: یاری بجوید (ماضی: اسْتَعَانُ / مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: إِسْتِعَانَة)
أَعْطَى: داد، بخشید (مضارع: يُعْطِي / مصدر: إِعْطَاء)	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست (مضارع: يَسْتَعْفِرُ / مصدر: إِسْتِغْفَار)
الأَعْظَم: بزرگ تر، بزرگ ترین (جمع: الأعاضم)	إِسْتَكْبَرُ: تکبر ورزید (مضارع: يَسْتَكْبِرُ / مصدر: إِسْتِكْبَار)
الأَعْلَى: برتر، بالاتر (مؤنث: العلیا / جمع: الأعْلَوْنَ)	إِسْتَمَعَ: گوش داد (مضارع: يَسْتَمِعُ / مصدر: إِسْتِمَاع)
الأَعْزَب: عجیب تر، عجیب ترین	الأُسْرَة: خانواده
أَقَامَ: بر پا داشت (مضارع: يَقِيمُ / مصدر: إِقَامَة)	الأَسْفَل: پایین، پایین تر
	إِسْتَدَّتْ: شدت گرفت (مضارع: يَسْتَدُّ)
	إِسْتَرَى: خرید (مضارع: يَشْتَرِي / مصدر: إِسْتِرَاء)

# الَّذِينَ وَالتَّائِبِينَ



## واژگان

<p>■ <b>أَحْضَرَ:</b> آورد، حاضر کرد (مضارع): <b>السَّيْرَةَ:</b> روش و کردار، سرگذشت</p> <p>■ <b>يُحْضِرُ / مصدر:</b> (إحضار) <b>الصَّرَاع:</b> کشمکش، نزاع، درگیری</p> <p>■ <b>المُحَاضِرَات:</b> تمدن‌ها <b>الأَصْنَام:</b> بت‌ها</p> <p>■ <b>أَقِمَّ وَجْهَكَ:</b> روی بیاور <b>الفَأْس:</b> تبر</p> <p>■ <b>أَقَامَ:</b> بر پا کرد (مضارع: يَقِيمُ / مصدر: إِقَامَةٌ) <b>الكَأْس:</b> جام، لیوان</p> <p>■ <b>قَامَ:</b> ایستاد (مضارع: يَقُومُ) <b>كَسَّرَ:</b> شکست (مضارع: يَكْسِرُ / مصدر: تَكْسِيرٌ)</p> <p>■ <b>قَامَ بـ:</b> پرداخت، اقدام کرد، انجام داد <b>المُكْسَّر، المُكْسَّرَة:</b> شکسته، شکسته‌شده (اسم مفعول)</p> <p>■ <b>القَهِيف:</b> یکتاپرست <b>عَلَّقَ:</b> آویخت، آویزان کرد (مضارع: يُعَلِّقُ / مضارع: تَعْلِيقٌ)</p> <p>■ <b>التَّدْيُن:</b> دینداری <b>الكِتِف، الكِتْف:</b> شانه، دوش</p> <p>■ <b>التَّقْوَش:</b> نگاره‌ها، کنده‌کاری‌ها <b>بَدَّؤُوا يَتَهَامَسُونَ:</b> شروع به پیچ‌پیچ کردند (تَهَامَسَ: پیچ‌پیچ کرد / ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ)</p> <p>■ <b>السَّعَائِر:</b> مراسم، مناسک <b>حَرَّقَ:</b> سوزاند (مضارع: يُحَرِّقُ)</p> <p>■ <b>القَرَابِين:</b> قربانی‌ها <b>حَرَّقُوا:</b> بسوزانید</p> <p>■ <b>التَّجَنَّب:</b> دوری کردن، اجتناب کردن (ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ)</p> <p>■ <b>السَّدَى:</b> پوچ، بیهوده</p>
---

• **كَانَ:** بود (مضارع: يَكُونُ) / كانَ: باشید (كَانَ: بود / یَكُونُ: می‌باشد) / لم یَكُنْ: نبود، نبوده است (ماضی ساده یا نقلی منفی)

### • واژگان «إِغْلَمُوا»

• **كَأَنَّ:** گویی، مانند، مثل این که، انگار / **لَيْتَ:** کاش، ای کاش / **لَيْتَنِي،** یا **لَيْتَنِي:** ای کاش من (لَيْتَ + «ن» و قایه + ضمیر «ی»)  
 • **لَعَلَّ:** شاید، امید است / **تَعْقِلُونَ:** خردورزی می‌کنید (عَقَلَ: خردورزی کرد) / **لَعَلَّ:** شاید، امید است / **تَعْقِلُونَ:** خردورزی می‌کنید (عَقَلَ: خردورزی کرد) / مصدر: تَحْمِيلُ

### • واژگان «التمارين»

• **الدَّار:** خانه / **البَسْمَات:** لبخندها (مفرد: البَسْمَة) / **السَّوِي:** به جز / **العَظْم:** استخوان / **اللَّحْم:** گوشت / **المُفْسَدَة:** مایه تباهی / **أُنْز:** روغن کن، نورانی کن (ماضی: أَنْزَ / مضارع: يُنْزِرُ / مصدر: إنارة) / **الحَظَّ:** بخت (جمع: الحَظوظ) / **السَّلَام:** آشتی، صلح / **السَّلْم:** صلح / **حَمَى:** نگاه‌داری کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي) / **الدَّار:** خانه / **البَسْمَات:** لبخندها (مفرد: البَسْمَة) / **السَّوِي:** به جز / **العَظْم:** استخوان / **اللَّحْم:** گوشت / **المُفْسَدَة:** مایه تباهی / **أُنْز:** روغن کن، نورانی کن (ماضی: أَنْزَ / مضارع: يُنْزِرُ / مصدر: إنارة) / **الحَظَّ:** بخت (جمع: الحَظوظ) / **السَّلَام:** آشتی، صلح / **السَّلْم:** صلح / **حَمَى:** نگاه‌داری کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي) / **الإِنْشِرَاح:** شادمانی (إِنْشَرَخَ /





■ **إِحْمِي:** از من نگهداری کن (إِحْمٍ + نون)

وقایه + (ي) (تَبِعَ: تعقیب کرد)

■ **تَمَتَّى:** آرزو کرد (مضارع: يَتَمَتَّى / مصدر: تَمَتَّى)

مطمئن می شود (تَأَكَّدَ: مطمئن شد / مصدر: تَأَكَّدَ)

■ **الْمُفْتَرِسُ:** درنده (اسم فاعل)

■ **الْخِدَاعُ:** فریب

■ **الْفَرِيْسَةُ:** شکار

■ **الْحَرْبُ الْمَفْرُوضَةُ:** جنگ تحمیلی

■ **الْمَكْسُورُ:** شکسته (اسم مفعول)

## متضاد

الكبير (بزرگ) ≠ الصَّغِير (کوچک)

القديم (قدیمی) ≠ الْحَدِيثُ (جدید)

رَجَعَ (برگشت) ≠ ذَهَبَ (رفت)

التَّجَنَّبُ (دوری) ≠ الإِقْتِرَابُ، التَّقَرُّبُ (نزدیکی)

سَأَلَ (پرسید) ≠ أَجَابَ (جواب داد)

إِزَادَ (زیاد شد) ≠ قَلَّ (کم شد)

الْحَفِي (پوشیده، پنهان) ≠ الظَّاهِر (آشکار)

الغالية (گران) ≠ الرَّخِيصَة (ارزان)

الْجَهْلُ (نادانی) ≠ الْعِلْمُ (دانایی)

شَكَرَ (شکر کرد) ≠ كَفَرَ (کفر ورزید)

الْعَدَاوَة (دشمنی) ≠ الصَّدَاقَة (دوستی)

أَحَبَّ (دوست داشت) ≠ كَرِهَ (ناپسند داشت)

أَخَذَ (گرفت) ≠ أَعْطَى (داد)

الْجَمِيلُ (زیبا) ≠ الْكَرِيهُ، الْقَبِيحُ (زشت)

النَّافِعُ (سودمند) ≠ الْمَضِرُّ (زیان آور)

الأَجْمَلُ (زیباتر) ≠ الأَقْبَحُ (زشت تر)

السَّلَامُ (صلح) ≠ الْحَرْبُ (جنگ)

السَّوْءُ (بدی) ≠ الْحُسْنُ (خوبی)

السَّلَام، السَّلْم (صلح، آشتی) ≠ النَّزَاع، الصَّرَاع (درگیری)	الْأَسْوَأُ (بدتر) ≠ الْأَحْسَنُ (خوبتر)
بَكَى (گریه کرد) ≠ صَحِكَ (خندید)	الْكَذِب، الْكِذْب (دروغگویی) ≠ الصَّدْق (راستگویی)
الدَّكِي (باهوش) ≠ الْأَحْمَق (نادان)	حَزَنَ (غمگین شد) ≠ فَرِحَ (خوشحال شد)
القُرْب (نزدیکی) ≠ البُعْد (دوری)	حَزَنَ (غمگین کرد) ≠ فَرَحَ، أَفْرَحَ (شاد کرد)
الْأَمَام (مقابل، روبه‌رو) ≠ الْوَرَاء، الْخَلْف (پشت)	قَطَعَ (قطع کرد) ≠ وَصَلَ (وصل کرد)
إِتَعَدَّ (دور شد) ≠ إِقْتَرَبَ (نزدیک شد)	الْأَعْلَى (بالا، بالاتر) ≠ الْأَسْفَل (پایین، پایین‌تر)
	الباطِل (باطل، بیهوده) ≠ الحقُّ (حق)

## مترادف

أَذْرَكَ = حَصَلَ عَلَيَّ (به دست آورد)	الإهتمام = العِناية = الإلتفات (توجه)
الْفُضْل = العطاء (بخشش)	الشَّعَائِر = المَناسِك (مراسم)
جَعَلَ = وَصَعَ (قرار داد)	التَّجَنَّب = الإجتنباب (دوری کردن)
العافية = الصَّحَّة (تندرستی)	حَسِبَ = ظَنَّ (گمان کرد)
الطَّاقَة = الإِسْتِطَاعَة (توانایی)	السُّدَى = الباطل = العَبَث (بیهوده، پوچ)
ذات = الصَّاحِب (دارا)	أَرْسَلَ = بَعَثَ (فرستاد)



الْخَفِيِّ = الْمَسْتَوِر (پوشیده)	بَيِّنٌ = أَظْهَرَ (آشکار کرد)
الِدَّارِ = الْبَيْتِ (خانه)	الصَّرَاطِ = السَّبِيلِ = الطَّرِيقِ (راه)
أُمٌّ = أَوْ (یا)	حَدَّثَتْ = كَلَّمَتْ = تَكَلَّمَتْ (سخن گفت)
سِوَى = إِلَّا (به جز)	الصَّرَاعِ = النَّزَاعِ (کشمکش)
الدَّعَاوَاتِ = الْأَدْعِيَّةِ (دعاها)	حَاوَلَ = اجْتَهَدَ (تلاش کرد)
الْإِنْشِرَاحِ = الْفَرَحِ (شادمانی)	لَمَّا = عِنْدَمَا = حِينَمَا (هنگامی که)
حَمِيٌّ = حَرَسَ = حَفِظَ (حفظ کرد، نگهداری کرد)	شَاهِدٌ = رَأَى (دید)
الْبِلَادِ = الْمُدُنِ (شهرها)	الْإِسْتِهْزَاءِ = السُّخْرِيَّةِ (مسخره کردن)
الْفَرِيْسَةِ = الصَّيْدِ (شکار)	نَصَرَ = سَاعَدَ = أَعَانَ (کمک کرد)
العُشِّ = الْوُكُنَّةِ (لانه)	قَذَفَ = أَلْقَى (انداخت)
بَعْتَةٌ = فَجَاءَتْ (ناگهان)	الإِرْضَاءِ = الإِقْنَاعِ (راضی قانع کردن)

### جمع مکسر

معنی مفرد	جمع	مفرد
چهره، رو	الْوَجُوهُ	الْوَجْهَ
ملت	الشُّعُوبَ	الشَّعْبَ
راه، روش	الطُّرُقَ، الطَّرَائِقَ	الطَّرِيقَةَ
نگاره، کنده کاری	التَّقْوِشَ	التَّقِشَ
نقاشی	الرُّسُومَ	الرَّسْمَ
مجسمه، تندیس	التَّمَائِلَ	التَّمَالِ

خدا	الآلهة	الإله
قربانی	القربان	القربان
دوران، دوره	العصور	العصر
بت	الأصنام	الصنم
جشن	الأعياد	العيد
شهر	المُدُن	المدينة
تبر	القُؤوس	القأس
معبد، عبادتگاه	المعابد	المعبد
شانه، دوش	الأكتاف	الكثيف
متن	النصوص	النص
پاداش، مزد	الأجور	الأجر
دوست	الأصدقاء	الصديق
کشور، شهر	البلاد	البلد
راه	السبيل	السبيل
سخن، گفتار	الأقوال	القول
عمل، کردار	الأفعال	الفعل
نادان	الجُهال	الجاهل
صف، رديف، کلاس	الصفوف	الصف
دست، دسته	الأيدي	اليَد
دندان، دندانه	الأسنان	السن
سنگ	الأحجار	الحجر
بدن	الأجسام	الجسم
تنه	الجذوع	الجذع



ريشه	الجذور	الجذر
مهمان	الضيوف	الضيف
در	الأبواب	الباب
گوشت	اللحوم	اللحم
استخوان	العظام	العظم
بدی	الشُرور	الشَّرّ
اخلاق	الأخلاق	الخُلُق
گردشگر	السُّيَّاح	السَّائِح
راهنما، دلیل	الأدِلَّة	الدَّلِيل
شکار	الفرائس	الفَرِيْسَة
بال	الأجْنِحَة	الجناح
دشمن	الأعداء	العدوّ
جوجه	الفراخ	الفَرخ
یاد	الأذكار	الدَّكْر
پژوهش، تحقیق	الأبحاث	البَحْث

### ترجمة عبارات مهم

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾: با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

لا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ: هیچ ملتى از ملّت‌های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته است. تَدَلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ: دلالت می‌کند بر این که آن (دینداری) در وجود او فطری است.

﴿أَيَّ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾: آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

لَا تُسَبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ يَبْنَهُمْ: به مردم دشنام ندهید، زیرا دشمنی بین خود را به دست می‌آورید.

حُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ: حق را از اهل باطل بگیرید و باطل را از اهل حق نگیرید. منتقدان سخن باشید.

وَ اَمَّا الصَّدْرُ انْشِرَاحاً / وَ فَمَيَّ بِالْبَسْمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پر کن.

وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي / وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ: و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار ده.

وَ اَمَّا الدُّنْيَا سَلَاماً / شَامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ: و دنیا را از صلحی دربرگیرنده همه جهتها پر کن.

وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ: و من و کشورم را از بدی‌های حوادث حفظ کن.

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ: بی‌گمان بهترین نیکی، اخلاق نیکو است.

## قواعد درس اول

### معانی حروف مشبّهة بالفعل و الای نفی جنس

۱. حروف مشبّهة بالفعل - حروف پرکاربردی هستند که قبل از جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می‌آیند. این حروف عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ»

هر یک از این حروف معنای خاصی دارند و معنی جمله را تغییر می‌دهند. **إِنَّ:** برای تأکید کل جمله می‌آید و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.



«إِنَّ» در عربی خیلی پر کاربرد است و لزوماً همیشه ترجمه نمی‌شود؛  
در آیه و حدیث البته باید ترجمه شود، مثل آیه فوق.

**مثال** **۱** **إِنَّ مِنْ أَسْبَابِ نَجَاحِي التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ:** از دلایل موفقیت من،  
توکل بر خدا است. (عدم ترجمه «إِنَّ»)

**۲** **أَنَّ:** به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد.

**مثال** **۱** **«قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»:** گفت می‌دانم که خدا  
بر هر چیزی تواناست.

«أَنَّ» می‌تواند با حرف جرّ «لِ» قبل از خود همراه شود (لِأَنَّ) که به  
معنای «زیرا، برای این که» است و در جواب «لِمَاذَا، لِمَ؟ چرا» می‌آید.

**مثال** **۱** **لِمَاذَا مَا سَافَرْتَ بِالطَّائِرَةِ؟ - لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.**  
چرا با هواپیما سفر نکردی؟ - زیرا بلیت هواپیما گران است.



**۱** «إِنَّ» در ابتدای جمله و «أَنَّ» در وسط جمله می‌آید.

**۲** پس از حروف مشبّهة بالفعل نمی‌تواند مستقیماً فعل بیاید، پس از  
آن‌ها یا اسم می‌آید و یا حرف.

**۳** پس از فعل «قَالَ» و مشتقات آن (یعنی امر و نهی و ...) از حرف  
«إِنَّ» استفاده می‌شود و «أَنَّ» نادرست است.

**مثال** **۱** **«قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ»:** بگو من مأمور  
شده‌ام که خدا را در حالی که دین را برای او خالص گردانیده‌ام، عبادت کنم.

**۲** **اَكَّأَنَّ:** برای شباهت بین دو چیز به کار می‌رود و به معنای «گویی،  
انگار، مثل این که، مانند» است.

## نمونه سؤال‌های امتحانی

### واژه‌شناسی

- تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطًّا:
- ۱- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (شهریور ۹۹)
  - ۲- أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمُ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (خرداد ۹۸)
  - ۳- شَعَائِرُهُ كَانَتْ حُرَافِيَّةً. (شهریور ۹۸)
  - ۴- أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ. (دی ۹۸)
  - ۵- إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. (خرداد ۹۹)
  - ۶- عَيَّنَ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ:

(الصَّرَاعُ - الْأَصْدِقَاءُ - الظُّرُوفُ - التَّرَاعُ - الْأَعْدَاءُ - التَّرْزُولُ)

- الف) (..... = ..... ) (ب) (..... ≠ ..... )
- ۷- عَيَّنَ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ:

(الظُّهُورُ - الْحَنِيفُ - الصَّرَاعُ - الْمُنُورُ - الْمَوْحَدُ - السَّلْمُ)

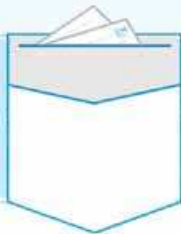
- الف) (..... = ..... ) (ب) (..... ≠ ..... )
- ۸- عَيَّنَ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:
- ۱) الْأَصْدِقَاءُ      ۲) الْأَحْبَاءُ      ۳) الْأَقْرِبَاءُ      ۴) الْأُزْبِعَاءُ
- ۹- أَكْتَبَ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطًّا:
- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ.

### ترجمه

- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:
- ۱۰- ﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾ (خرداد ۹۸)
  - ۱۱- ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (خرداد ۹۸)
  - ۱۲- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ (شهریور ۹۸)
  - ۱۳- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ. (دی ۹۸)
  - ۱۴- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ. (خرداد ۹۹)
  - ۱۵- ﴿ أَوْ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴾ (شهریور ۹۹)



# درک مطلب



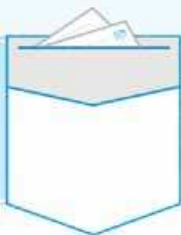
متن کوتاهی که در امتحان نهایی برای سنجش میزان درک مطلب می‌آید، غالباً از متن درس‌ها یا تمرین‌هایی هست که به همین منظور در کتاب آمده است. اگر هم متنی خارج از کتاب باشد از واژه‌هایی تشکیل شده که در سطح کتاب درسی است و به راحتی مفهوم آن قابل درک است. اما نکته‌ای که در این رابطه مطرح است، آشنایی دانش‌آموز با کلمات پرسشی است. گاهی پیش می‌آید که دانش‌آموز معنی (متی: چه وقت) را با (این: کجا) اشتباه می‌گیرد. به معنی کلمات پرسشی زیر دقت کنید.

معنی	کلمه پرسشی	معنی	کلمه پرسشی
کجا	أينَ	آیا	هَلْ، أ
چه طور، چگونه	كَيْفَ	چه کسی، کیست	مَنْ
چه قدر، چند	كَمْ	از چه کسی	مِمَّنْ
برای چه، چرا	لِمَ / لِمَاذَا	چه چیزی، چیست	مَا
با چه چیزی	بِمَ	چه چیزی	مَاذَا
از چه چیزی	مِمَّ	چه وقت	مَتَى

به پرسش‌ها و پاسخ‌های زیر دقت کنید.

مَنْ هُوَ سَائِقُ الْحَافِلَةِ؟ - السَّيِّدُ حُسَيْنِي  
راننده اتوبوس کیست؟ - آقای حسینی

# آزمونها



## آزمون (۱) نوبت اول

### المهارة الأولى: المفردات

(۱ نمره)

- الف. تَرِجِمِ المفردات التي أُشير إليها بخطّ:
- ۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.
  - ۲- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.
  - ۳- لَقَدْ اِشْتَقَقَ أَبُوكُمْمَا إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.
  - ۴- تَخْرُجُ قَطْرَاتُ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا مُتَتَالِيَةً.

(۱ نمره)

ب. عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ:

السَّعْيِ - السَّلْمُ - الْخِيْمَةَ - الْمُحَاوَلَةَ - الْعِظْمَ - الصَّرَاعَ

..... = ..... ۵-  
..... ≠ ..... ۶-

(۲۵/۰ نمره)

ج. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:

۷-

(۱) الرُّؤُوسُ (۲) الْأَكْتِفُ (۳) الشَّلَالُ (۴) الْأَسْنَانُ

(۲۵/۰ نمره)

۸- أَكْتُبِ جَمْعَ «الْقِمَّة»: .....

### المهارة الثانية: الترجمة

(۴/۵ نمره)

د. تَرِجِمِ الْجَمَلَ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

- ۹- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.
- ۱۰- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهِيَّةِ كَسَبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.
- ۱۱- أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.



- ۱- شکست
- ۲- بُت‌ها
- ۳- مراسم، مناسک
- ۴- نجات داد
- ۵- مایهٔ تباهی
- ۶- الصِّراع = النَّزاع
- ۷- الحَنيف = المَوْحِد
- ۸- الأُرْبَعاء (چهارشنبه)
- ۹- أُكْتاف
- ۱۰- هیچ علمی نداریم جز آن چه به ما آموخته‌ای.
- ۱۱- سپس تبر را بر دوش او آویخت و معبد را ترک کرد.
- ۱۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.
- ۱۳- گویی راضی کردن همهٔ مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.
- ۱۴- هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نیست.
- ۱۵- آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟!

## پاسخ آزمون (۱) نوبت اول

- ۱- سرگذشت، روش و کردار
- ۲- تبر
- ۳- مشتاق شد
- ۴- پی در پی
- ۵- السَّعْيُ = المَحَاوَلَةُ (تلاش کردن)
- ۶- السَّلْمُ (صلح) ≠ الصَّرَاعُ (کشمکش، درگیری)
- ۷- **گزینه ۳** - (معنی گزینه‌ها به ترتیب: سرها، شانه‌ها، آبشار، دندان‌ها)
- ۸- الْقِمَمَ (قله‌ها)
- ۹- این خرافات در گذر زمان در دین‌های مردم زیاد شد.
- ۱۰- هدف از پیشکش کردن قربانی‌ها به خدایان، به دست آوردن رضایتشان و دوری از شرّ آن‌ها بود.
- ۱۱- خداوند پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست را بیان کنند.